

به نام خدا

واکاوی کوتاهی پیرامون سنت قرآنی قرض الحسنه

کاربردهای "قرض الحسنه" در مرکز و قلب اقتصاد اسلامی تعریف می‌شود، با انگیزه و اقدامی حمایتی در سه گروه عمده؛ الف- تأمین وسایل، ابزار و سایر امکانات به منظور ایجاد کار، تولید و خدمات ب- تأکید بر افزایش تولید با پافشاری بر تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی ج- رفع احتیاجات ضروری مردم. در واقع این روش، اصلی حقوقی را بر پایه عقد لازم بنا می‌کند که ماهیت آن دو اصل مهم زیر را در بر می‌گیرد؛ ۱- برقراری رابطه داین و مدیون ۲- حذف "بهره" در اعطای قرض. به موجب این پیمان "بانک یا موسسه اعتباری" (قرض دهنده) مبلغ معینی را طبق دستورالعمل‌های مصوب و ابلاغ شده از سوی ناظر پولی به اشخاص حقیقی یا حقوقی (قرض گیرنده) واگذار می‌کند که با صراحت "قرض" نامیده می‌شود و مطابق قانون، محدوده زمانی بازپرداخت اقساط آن برای بندهای الف و ب، ۵ سال و برای بند ج، ۳ سال و "کارمزد قرض" در تمامی موارد یاد شده حداکثر چهار درصد است.

در برابر آنچه گفته شد، روشی دیگر با عنوان پرداخت تسهیلات با شیوه بانکداری متعارف یعنی اعطای "وام" وجود دارد که نوعی قرض دادن پول سود دار یا وام با بهره است. این نوع معامله در زمان مشخص، بین وام دهنده و وام گیرنده انجام می‌شود و بدلیل تعیین پیشاپیش نرخ بهره، از منظر اقتصاد اسلامی غیر مجاز و "حرام" است و شارع مقدس به شدت از آن تقبیح می‌کند و آن را به مانند جنگ با خدا می‌داند. فرمول آن نیز چنین است که: اقساط ماهانه (p)، برای یک وام به مبلغ (L) برای مدت (N) ماه با نرخ بهره ماهانه (C) محاسبه می‌شود.

$$P = L \times \frac{C(L+C)^n}{(1+C)^n - 1}$$

اگرچه بسیاری از کشورهای اسلامی و حتی غیر اسلامی در کنار بانکداری متعارف خود، سال به سال به اجرای "قرض الحسنه" روی آورده و پایبندی قابل تحسینی به آن پیدا می‌کنند، اما "قرض الحسنه" در بانکداری اسلامی معنایی جدی‌تر دارد و عملیاتی بانکی و پاک به حساب می‌آید که با احکام اسلام، به ویژه از دید حذف ربا و رباخواری همخوانی تنگاتنگ داشته و همواره در قلب "اقتصاد اسلامی" می‌درخشد و نباید یک روش حاشیه‌ای و فرعی تلقی شود. اضافه کردن صفت اسلامی به بانکداری، آن را ملزم می‌کند تا علاوه بر رعایت کامل قوانین اسلامی که مهم‌ترین آن پرهیز از رباست، در عرصه‌هایی که موضوعات حرام محسوب می‌شود نیز به هیچ وجه ورود پیدا نکند و از همه بالاتر و در نهایت، رسیدن به هدفی والاتر که رشد و اتمام مکارم اخلاقی افراد جامعه است را سر لوحه کار خود قرار دهد. در این زمینه امام خمینی (ره)، همواره تأکید داشت: "اسلام دینی است که با تنظیم فعالیت‌های مادی، راه را برای اعتلای معنوی انسان می‌گشاید."

با این نگرش و بر اساس اینکه فقه اسلامی دریافت پول اضافی از وام گیرنده را "ربا" و حرام می‌داند "قانون عملیات بانکی بدون ربا" در سال ۶۲ در مجلس شورای اسلامی طرح و تصویب و از سال ۶۳ در سراسر کشور به صورت یکپارچه عملیاتی شد، اما امروز پس از گذشت بیش از سه دهه از تصویب آن، هنوز نتوانسته به کارویژه موثر خود پیرامون آنچه گفته شد نایل آید! به همین دلیل این موضوع جای پرسش‌های اساسی را در این حوزه باز و واکاوی آن را لازم می‌نماید، پرسش‌هایی که از گذشته تا کنون همچنان بی پاسخ مانده‌اند. مثلاً؛ اینکه آیا این قانون آنچنان که ترسیم و انتظار می‌رفت در جامعه و نظام پولی کشور محقق شد؟ آیا متولیان اجرایی آن پس از آموزش قوانین و دستورالعمل‌ها، اراده و باور جدی برای اجرای دقیق آن داشتند و دارند؟ آیا در این مدت طولانی، برای بازنگری و به روز رسانی شیوه نامه‌های اجرایی و مقررات آن تلاش جدی، با حوصله و قانونمند انجام گرفت و ضعف‌های آن در محتوای مقررات و عرصه عمل، سنجیده و از بانک‌ها به‌عنوان پیشخوان اجرای قانون، نظر خواهی دوره‌ای و متناسب به عمل آمد؟ آیا برای ترویج و تبلیغ قرض الحسنه آنچنان که شایسته این حکم قرآنی است، اقداماتی همگن و درخور توجه در بانک‌های دولتی، خصوصی و موسسات مالی و اعتباری صورت گرفت؟ و..... پرسش‌های بیشمار دیگری که مجال طرحش در این نوشته کوتاه نیست.

در پاسخ به پرسش‌های اساسی یادشده، بی شک لازم است واکاوی و پژوهشی همه سویه انجام گیرد که در این نوشته کوتاه میسر نیست، اما می‌توان گفت: برای اثبات بی‌توجهی به دغدغه‌های موجود و ناکامی‌های مشهود این سه دهه در عرصه قرض‌الحسنه، لازم نیست بررسی خیلی عمیق، گسترده و پیچیده‌ای انجام شود، چرا که تنها با نگاهی به آمار و ارقام رسمی اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی- دایره آمارهای پولی بانک مرکزی ج.ا.ا که در حقیقت متولی و ناظر ساختاری و اجرایی "قانون بانکداری بدون ربا" و مروج اصلی بانکداری اسلامی است به ما نشان می‌دهد؛ مانده حساب‌های قرض‌الحسنه در بانک‌ها بویژه بانک‌های دولتی! در این سه دهه، سال به سال و دوره به دوره کاهش یافته و فقط در آمار اخیر ۸,۱ درصد کاهش پس انداز قرض‌الحسنه در خرداد ۹۴ نسبت به اسفند ۹۳ قابل مشاهده است. در نموداری دیگر خرداد ۹۳ نسبت به خرداد ۹۲ کاهش ۱۶ درصدی را نشان می‌دهد و این درحالیست که در جدول ذکر شده: سپرده‌های قرض‌الحسنه شامل سپرده‌های صندوق پس‌انداز بانک مسکن نیز می‌باشد. تنها در بانک‌ها و موسسات اعتباری غیر بانکی، آمار خرداد ۹۳ نسبت به خرداد ۹۲ افزایشی برابر با ۱۴,۹ درصد رقم خورده است که همین رشد مقطعی و شبیه به آن نیز هیچگاه مورد واکاوی دقیق قرار نگرفته است!!! به باور نگارنده برای پژوهشگران این عرصه، چنین رخدادهایی می‌تواند شاخص‌های خوبی باشد تا بوسیله آن پی به زمان‌های اقبال مردم به این حساب ارزنده ببریم تا راهنمای روشن و زنده‌ای گردد که بتوانیم از آن برای ترویج قرض‌الحسنه به نیکی بهره برداری کنیم.

از این اعداد و ارقام که بگذریم در یک مطالعه میدانی و نظر سنجی عمومی، به خوبی به این واقعیت پی خواهیم برد که مردم به خاطر روند شتابان قیمت عمومی کالاها و خدمات "رشد نرخ تورم" پول‌های خود را به منظور حفظ ارزش آن، بیشتر به سمت سپرده‌گذاری‌های سود آور سوق داده‌اند تا سپرده‌های قرض‌الحسنه. این رفتار با پیروی از شرایط عمومی کشور و نوع تبلیغات بانک‌ها تا جایی پیش رفته که اعلام سودهای بالا به صورت آشکار و پنهان، از سوی بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری (با مجوز یا بدون مجوز) آنها را در گردونه بی‌پایان رقابت در افتتاح سپرده "به هر قیمتی" با سود هرچه بیشتر کشانده است. اگر به دقت و با واکاوی موشکافانه به این مساله بنگریم، خواهیم دید که رفتن به این ورطه همچون نوشیدن آب شور دریاست که نه رفع تشنگی، بلکه هرچه بیشتر بر عطش نوشنده می‌افزاید و دست واجدین شرایط دریافت تسهیلات قرض‌الحسنه را روز به روز از این وام پاک کوتاه‌تر و دورتر می‌کند و از سوی دیگر روز به روز؛ میل و رغبت سپرده‌گذاران قرض‌الحسنه را در جامعه کاهش می‌دهد. در واقع این تاثیر و تاثر متقابل دو روی یک سکه و دور باطلی است که از پس از انقلاب اسلامی بر یکدیگر اثر گذاشته و به صورت فزاینده جامعه را از سفارش قرآنی قرض‌الحسنه بیگانه کرده است.

نگارنده به خوبی به یاد دارد؛ در دهه‌های گذشته در بانک مرکزی گروهی تحت عنوان "کمیته ترویج و توسعه بانکداری بدون ربا" وجود داشت و مدتی به اعتبار سمت، توفیق عضویت در آن را داشتم که بحث و بررسی‌های خوبی در آن انجام می‌شد. جا دارد چنان گروه و کمیته‌هایی با رویکردی دقیق و تحقیقی، متشکل از نمایندگان خبره و کارآشنای شبکه بانکی تشکیل و در قالب پژوهش‌های علمی، بر ترویج بانکداری بدون ربا و توسعه قرض‌الحسنه پا فشاری کنند و با حمایت بانک مرکزی حرکت کنونی را برخلاف جریان فعلی، به حرکت درآورند. شک نیست که در شرایط پسا توافق بویژه با رویکرد "اقتصاد مقاومتی" قرض‌الحسنه می‌تواند دوای درد کنونی اقتصاد رکودی باشد و با سوق دادن سرمایه‌ها به سمت بخش‌های واقعی اقتصاد و چشاندن شهد شیرین سپرده قرض‌الحسنه و در مقابل دریافت وام یا بهتر بگوییم تسهیلات قرض‌الحسنه، کشور را به سوی رشد و توسعه واقعی رهنمون شود.

علی جهانی - مدیر اسبق روابط عمومی بانک مرکزی و روابط عمومی بانک پارسیان،

مشاور کنونی مدیر عامل صندوق اعتباری هنر